



داکتر خاکستر

## داکتر اکرم عثمان

و

### بازی ظریف اپراتیفی در تهران

#### تهران

سال ۱۹۹۱ بود. ساختمان چهار طبقه و خوش رنگ سفارت افغانستان در تقاطع سرک داکتر بهشی و سرک پاکستان در بالا شهر تهران، پنج کارمند سیاسی و یک کارمند اداری کار کشته را در خود جا داده بود و ریس جمهور 'داکتر نجیب الله'، ترجیع داد به جای اسدالله کشتمند جعفری باور، که سالها در آنجا تجربه سفارت داشت، دوست دوران نوجوانی اش را به عنوان کاردار سفارت، یا که همان شارژدافیر سفارت افغانستان در تهران، بر گزیند: داکتر اکرم عثمان را. داکتر نجیب الله خود نیز در آنجا، باری تجربه سفارت کرده بود و به اهمیت آن بسا وقوف داشت، زیرا که "موضوع و محمول" در کار اپراتیفی، شناختن راس الخیمه تلقی میگردد یا که همو عمود میانگین خیمه ای، رشته ی که داکتر عثمان بر آن چه زود آگه گشت. آنهم درست در پاره ی تاریخی که، اتحاد شوروی به حزب پشت کرده بود و تهران آینده نفوذش را در وجود شیعان مسلحی میدید که ساحات مرکزی کشور را ظاهرا در کنترل داشتند و ریس جمهور تکیه کرده بود به همیاری هر چند ناچیز دولتمردان تهران نشین. در آن بریده تاریخ، نمیشد هر کی را در آن پست بسیار حساس گماشت. داکتر با انتخابش، ثابت کرد بازیگر بی همتایی است و مامور شناس بی بدیل. و تهران به رمز پاشنه آشیل پی برده بود، به واژگونی دولت مستعجل، و داکتر عثمان برگزیده ریس جمهور، هزینه ی بود، بیش بها تر از آنچه که پنداشته بودند، نه چنانکه دگران آنرا نوع دلجویی و حقداری و پاس دوستی داکتر در حق او تصور میکردند.

کابل آشفته حال

دولتمردان کابل آشفته حال ، به نحو ماهرانه دریابیدند ، تا تهران را قانع کنند که در پی تفویت جعفری باورانی گردند که در جنگ داخلی ، آهسته آهسته داشتند به حاشیه رانده میشدند ، زیرا که گروپ های پشتون تبار و تاجیک تبار و ازبک تبار ، ابتکار جنگ را بدست گرفته بودند و نیز قحطی مواد غذایی ، مردم آن دیار فلک زده را ، عاصی کرده بود. این بازی ماهرانه سود مضاعف داشت :

- با ارسال اسلحه ، جنگ میان گروهی تشدید میابید و دولت میتوانست در نقاط دیگر ، مدافعه را تمرکز دهد

- یاری رسانی به قحطی زدگان ساحات مرکزی ، به نحوی زمینه ی میشد که بار فشار از دوش دولت کاسته شود برای تهران اما ، یاری رسانی یه همباوران شیعه ، یک فرض مذهبی پنداشته میشد و اعمال نفوذ برای آینده ی به عنوان یک فرض سیاسی . نشست چند هواپیما ی مملو از مواد غذایی در کابل ، به عنوان حرکت حسن نیت و خوش اراده گی ولایت فقیه ، دستاوردی بیش بهایی بود که وزنه داکتر عثمان را در چشم ریس جمهور ، بسا برجسته تر کرد.

### **بازی ظریف اپراتیفی**

داکتر اکرم عثمان داستان پرداز و گوینده نیکو صدا ، مجری بازی ظریف اپراتیفی میگردد که ظاهرا تنها میتوانست در توان کارمندان کارکشته ی وزارت امنیت دولتی باشد و نه در توان نویسنده و گوینده رادیو : فرستادن اسلحه به حزب وحدت اسلامی و غذا به فلک زدگان بامیانی و شیعه باوران در شمال زیستگاه ما . گزاره پارادوکسی آنچنانی ظاهرا ، شگفتی آور است اما ، نتیجه ای درخشانی بدست داد و دولت چند صباحی به عمرش افزود . داکتر عثمان با لطافت گفتاری معمول در او ، به کارمندان سفارت اعم از کارمندان قونسل و اطلاعاتی با ایما و اشاره افاده کرد که با ریس جمهور نجیب الله ، گذشته و رابطه همیارانه و آشنایی دارد و هموست که او را به سفارت برگماشته است . ایرانی ها با فراست مسله را دریابیدند . درس خوانده تهران ، زبان سیاسی مربیان ایرانی و نیز بازی اپراتیفی فرماندارش ، داکتر نجیب الله را در یافته بود و کارمندان اطلاعاتی تازه پی میبرند گه آنها نه تنها با داستان پرداز نیکو صدا ، که با امر بسا صاحب صلاحیت و راز فهم و ذو حسی طرف هستند . داکتر اکرم عثمان با همیاری کارمندان استخباراتی وزارت امنیت در سفارت ، جزئیات "پروژ بامیان" را با ظرافت تمام با ایرانیان در میان میگذارد و از آنان میخواهد در کمک به مردم بامیان شتاب کنند . داکتر عثمان ، گفت و شنود دشوار قانع سازی ایرانیان و نیز جزئیات اطلاعاتی و اپراتیفی را در

چند نوبت ، به نحو شایسته ی به انجام میرساند و به نتایج ملموسی دست میابد.ریس جمهور از نتایج دست آورد های او ،قانع میگردد که ،سد سازی ماهری برگزیده است که توانست با تردستی، سد آبگیری بنا کند .، یکی از کارمندان فرهیخته سفارت در آنوقت، که نمی خواهد نامش شهره گردد، شمه ی از آن بازی شگفت را.بازگو میکند: ما به علت موقعیت شغلی ، کمتر در بخش اطلاعاتی کنکاش میکردیم و اما برگزینی کاردار سفارت ، جناب داکتر اکرم عثمان به عنوان "مجری پروژه بامیان " ، برای ما شگفتی زا بود.او بعد از آنکه سر و ته جزئیات کاری را در همیاری ایرانی ها، با هم بست ، برنامه را برای ما آشکار کرد ، قرار بر این شد که با هر پرواز شبانه ی که ایرانی ها بر فراز بامیان انجام می دهند یک نفر از کارمندان سفارت آنرا همراهی کنند که شامل حال تمامی کارمندان میشود.و من ناخواسته در یک بازی ماهرانه گیر افتاده بودم که پر از خطر بود و کار یک دیپلوت نبود .وظیفه ما مشخص یود:کنترول محتویات محموله ها ، که از هوا پرتاب میشد ونیز همراهی سرنشینان هواپیما ،الی برگشت به تهران. در نخستین پرواز که من به عنوان همراه برگزیده شدم ،ایرانی ها با تکیه بر این استدلال که " بسته هارا اگر باز کنیم. دوباره بسته بندی آن اشکال دارد " با اعتراض من مواجه گردیدند ،که در برگشت از بامیان ،موضوع را با داکتر عثمان در جریان گذاشتم ، خونسردانه گفت : "چشم تانه بسته کنید داکتر صاحب در بالا از موضوع با خبر است." .محمد کبیر فراهی کارمند وزارت خارجه( اکنون معین وزارت خارجه دولت کزری ) و محمد عارف نماینده وزارت امنیت بعدا بنابر تقاضای ایرانی ها در مدت شش ماه توانستند پروژه بامیان را ، نه از تهران بلکه از مشهد به اتمام برسانند و ما توانستیم نفس راحت بکشیم.ناگفته واضح بود که بر علاوه مواد غذایی . رقم اساسی محموله ها را ، اسلحه تشکیل میداد.حزب وحدت بنا بر اختلافات داخلی در تنگنا افتاده بود و ابتکار سیاسی به دست رقبا ی جمعیتی و حزب اسلامی در گردش بود.ایران فرض دینی و سیاسی اشرا ،چه آسان دریابیده بود.

•••••

توجه کنید به نامه سری که از نام داکتر عثمان و از سفارت افغانستان در تهران به کابل تگرافی فرستاده شده است و وحید مژده کارمند وزارت خارجه دولت طالبان و محقق سرشناس کنونی از آن در همان زمان کپی برداشته است :

«امروز به تقاضای آقای نجفی مسئول دفتر ویژه افغانستان در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مذاکرات طولیل وبا اهمیت داشتیم که مراتب را با پوسته سیاسی به اطلاع خواهم رسانید ولی عمده ترین نکات این مذاکره را باتوجه به مبرم بودن آنها به استحضار میرسانم.

۱- آقای نجفی گفت: انکشافات اخیر اوضاع افغانستان ایجاب می کند که ما باید مصر تر وجدیتر به حمایت از حکومت آقای نجیب الله بر خیزیم وبکوشیم که حاکمیت موجود جمهوری افغانستان تداوم پیدا کند و ریشه بگیری.

۲- ما ارسال کمک های ایران به تمام افغانستان علی الخصوص به مردم کابل گسترش خواهیم داد و در موارد سیاسی تر در آینده به صحبت خواهیم نشست.

۳- از مقامات افغانی خواهشمندیم به منظور جلوگیری از سوء استفاده های تبلیغات عناصر افراطی در پشاور و اسلام آباد بهتر است توسعهء مناسبات ما تحت پوشش وزیر پرده بماند وهیچ جانب از آن استفادهء تبلیغاتی نبرد.

۴- از آنجائیکه تدارک و ارسال کمک از تهران به مناطق مرکزی وبعداً به کابل پرواز درازمدت را در بر می گیرد تصمیم گرفته ایم آن پرواز ها از مشهده وباحضور ومشارکت نمایندهء حلال احمر افغانی چون آقایان محمدعارف ومحمد کبیر در تمام پروازها صورت بگیرد. بنا براین آرزومندیم مقامات افغانی از ابلاغ ساعت قبل پرواز از سوی مقامات ایران بپرهیزند. چنانچه میدانید وضع جوی در مناطق مرکزی افغانستان سخت متغیر است ومطابق تقسیم اوقات ثابت ومقرر نمیتواند پروازها را سازمان داد از این سبب خواهشمندیم جانب افغانی پیوسته چشم انتظار پروازهای امدادی به مناطق مرکزی وكابل باشند. وفرصت مساعدت را که برای امداد به مردم افغانستان خاصاً حکومت مرکزی افغانستان بوجود آمده، به خاطر مسایل صرفاً شکلی وتکنیکی به هدر ندهند.

۵- آقای دکتور ولایتی وزیر خارجهء ایران بادرخواست به مقام ولایت فقیه مجوز ارسال کمک به حکومت آقای دکتور نجیب الله را به پیمانہء وسیع دریافت داشته اند وما پیشنهاد می کنیم که از این فرصت به جانب افغانی بار دیگر به هدر نرود.

۶- حکومت جمهوری اسلامی ایران مصمم است مذاکرات را بامحترم خالقیار صدراعظم جمهوری افغانستان بیاغازد که مراتب سازماندهی و راه اندازی آن به آقای طاهریان کاردار سفارت ایران در کابل ابلاغ شده و مشخص شده است.

۷- جمهوری اسلامی ایران مایل است در آینده قریب در عرصه های کاملاً تازه تر سیاسی و اقتصادی با جانب جمهوری افغانستان وارد ملاقات و مذاکره شود که از چگونگی این پروگرام بعداً به اطلاع خواهد رسید.

۸- هیأت مرکب از کمیته امداد امام زیر پوشش هلال احمر ایران عنقریب عازم کابل خواهد شد که تا نیازهای دولت افغانستان و نیاز مردم کابل را از نزدیک بررسی نماید. از مقامات افغانی خواهشمندیم امکانات مفاهمه و مذاکره آینده را با مقامات ذیدخل افغانی فراهم آورند و از ایجاد تسهیلات دریغ نورزند.

۹- درین مذاکره مراتب نگرانی جمهوری اسلامی ایران از تشکیل بی هنگام و نابخرد(انه) شورای قیادی که اخیراً از سوی شماری از گروه های مستقر در پاکستان ایجاد شده است به من ابلاغ شد و گفته شده هر خطری از هر جناح که حکومت آقای نجیب الله را تهدید نماید جمهوری اسلامی ایران با تمام وسایل با آن مقابله خواهد کرد و نخواهد گذاشت که افراطیون و دشمنان مشترک ما در افغانستان به قدرت برسند. بدینوسیله آرزومندیم در اسرع وقت نظر مقامات وزارت امور خارجه را پیرامون پیشنهادات تازه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به سفارت ابلاغ نمایند.

با احترام دکتور اکرم عثمان

.....

### سفر تاکتیکی ریس جمهور به تهران

دیپلوت افغان در تهران، به خاطر میاورد، که ریس جمهور چگونه پس از رایزنی و مشاوره با داکتر عثمان، قرار میگذارند که یک نشست اضطراری هواپیمای حامل ریس جمهور نجیب الله را در تهران تنظیم نمایند، با تکیه بر اینکه، نفس حضور ریس جمهور در تهران، اذهان عامه را

در افغانستان و نیز ایران آماده پذیرش همسویی سیاست های کابل - تهران مینمایید و اسلام آباد و شورای قیادی مجاهدین را در تنگنا قرار میدهد و اما با چه تاکتیکی ؟

داکر عثمان تاکید بر این میکند که واقعیت مسله را باید با ایرانی ها در میان بگذارند که ریس جمهور آنرا می پذیرد. کار دشواتر رایزنی را ،طبعاً باز هم داکتر عثمان به عهده داشت و کارمندان استخباراتی او را ،با جزییات بازی عملیاتی آشنا نمودند.هدف نمایان بود :نفس حضور ریس جمهور افغانستان در تهران

داکتر عثمان در چند نشست دشوار ،مدیران استخباراتی و دیپلوماتان ایران را قانع به سفر ریس جمهور زیستگاهش نمود که ظاهراً " نشست اضطراری " نام گیرد .هوآپیما ی ریس جمهور در میدان " مهرآباد " فرود آمد و اما کارمندان اطلاعاتی ایران بطور ناگهانی ، حاضر نشدند بگذارند ریس جمهور داخل ترمینل گردد و با کارمندان سفارت دیدار و گفت و شنود داشته باشد.آنان ترجیع دادند ، داکتر در میدان هوایی یا که زمین بین المللی باقی بماند

تماس های مکرر و پر شتاب داکتر عثمان در همان دو ساعت ، بی نتیجه ماند واما پژواک سفر ،کارش را کرد وبه اهداف معین برای هر دو طرف انجامید.یک مرجع نامعلوم و اما با صلاحیت ، در حلقه رهبری دولت ایران ،مانع گردید،ریس جمهور داخل خاک ایران گردد.

## و اما در کوچه ما

در " کوچه ما" فراز های زندگی داکتر اکرم عثمان به گونه ی خطی در وجود " امین " قهرمان داستان استمرار میابد : به گلوله بستن داکتر عثمان در وجود رحمت ،سفارت داکتر عثمان در دوشنبه ،حضور یک متفکر و داستان پرداز در گفت و شنود امین با احمد قلی نویسنده تاجیک ، اعاده حیثیت داکتر عثمان در به کار گماری در وجود امین ،تداوم اندیشه های چپ در وجود امین و چند مورد دیگر. اما کجاست بازی ظریف اپراتبفی داکتر نجیب الله که داکتر اکرم عثمان را مجری آن برگزیده بود ،.یاری به ارسال اسلحه در جنگ داخلی ؟ جنگی که کشته های بسیاری را در پشته ها خواباند و داکتر عثمان مجری آن بود.

یادکرد ها

— دوست فرهیخته ام، دیپلومات افغان در تهران را بخاطر یادداشت بالا ممنونم

— یکی از کارگزاران ارشد وزارت امنیت دولتی را ممنونم که از جزییات نحوی کاری پروژه  
بامیان را در اختیارم گذاشت

— ناگفته پیداست کارروشنگرانه و حید مژده ممد نهادین یادداشت بالاست

داکتر خاکستر

هامبورگ

azimiwassi@yahoo.de